

نگاه

نماد در شعر معاصر ایران و عراق

● «رمز و اسطوره در شعر معاصر ایران و عرب» عنوان کتابی است از محمد جاسم که به بررسی تطبیقی رمزگرایی در شعر بدر شاکر سیاب و مهدی اخوان ثالث پرداخته است. بدر شاکر سیاب از شاعران معاصر جهان عرب است که در سال ۱۹۲۶ در بصره متولد شد. سیاب با همان شعرهای ابتدایی‌اش نشان داد که پیوند عمیقی با فرهنگ عربی و شعر کهن دارد و در این میان بیش از همه شبیهت ابوتامم الطائی بود و قصاید او را حفظ بود و تصویرهایی را که او در شعرهایش ارایه داده بود، تحلیل می‌کرد و به‌طور کلی در فضای شعرى او زندگی می‌کرد. سیاب را می‌توان آغازگر شعر جدید عرب دانست و این نکته‌ای است که شفیعی‌کدکنی نیز در کتاب «شعر معاصر عرب» به آن اشاره کرده است: «تقریباً، همه ناقدان و شاعران معاصر عرب، این نکته را پذیرفته‌اند که سیاب پیشوای مسلم شعر جدید عرب است. در این موضوع علاوه بر استعداد و خلاقیت این شاعر و نقش واقعی او در تحول شعر عرب، یک نکته دیگر هم موثر است و آن مرک زودرس اوست در جوانی که در سن سی‌وهشت‌سالگی اتفاق افتاد. بی‌گمان اگر زنده بود، مدعیان ممکن بود او را که بر اثر اختلافات شخصی نمی‌کنند، ولی مرگ او سبب شد که همه او را نخستین شاعر متجدد عرب به شمار آورند.» سیاب همچنین در فعالیت‌های سیاسی نیز مشارکت داشت و در سال ۱۹۴۵ عضو حزب کمونیست عراق شد. مهدی اخوان‌ثالث نیز یکی از مهم‌ترین چهره‌های معاصر شعر فارسی است که او نیز پیوند عمیقی با سنت ادبی فارسی داشت. محمد جاسم در کتابش، به سراغ نمادهای شعر اخوان و سیاب رفته و مفاهیم بنیادی که نمادهای شعرى این دو بر محور آن‌ها شکل گرفته را این‌طور معرفی کرده است: شکست و دلمردگی، منجی دروغین، تلاش بیهوده و جامعه خفقان‌آلود. او درباره تفاوت نگاه اخوان و سیاب نیز نوشته: «فرق اساسی پردازش دو شاعر از این دسته مفاهیم، در میزان امید و یأس آنها در تحقق آرمان رهایی به واسطه تلاش مردمی و ظهور منجی‌ای عدالت‌گستر نهفته است؛ اخوان امید به رهایی نداشته و تمام بارقه‌هایی را که روح خیزش جمعی را تقویت می‌کند، فریبی بیشت نمی‌خواند برخلاف سیاب که به‌رغم وجود مایه‌های ناامیدانه در شعرش، هنوز به رستگاری واپسین و تحقق آرمان نجات باور دارد.» اخوان‌ثالث و سیاب



اگرچه به دو کشور مختلف تعلق دارند، اما فضای اجتماعی و تاریخی جامعه آنها در دوران حیاتشان، شرایطی پرفرازونشیب و بحرانی بوده است. نویسنده کتاب در بخشی از مقدمه‌اش در این مورد نوشته: «شعر عربی و فارسی‌علی‌رغم تعلق به دو حوزه مختلف، به دلیل اشتراکات همانندی‌های زبستی شاعران آن دو حوزه، اعم از سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، مجال مناسبی را برای رصدکردن انعکاس این دست‌ اشتراکات و اقتضائات فراهم کرده است. بر این اساس، به‌کارگیری نماد در شعر دو تن از شاعران این دو زبان یعنی سیاب و اخوان‌ثالث، از محوریتی ویژه و منحصربه‌فرد برخوردار است… این دو شاعر، از برجسته‌ترین شاعران نمادگرا هستند که نسبت‌به انسان و جامعه انسانی پایبند می‌باشند و بر این اساس در دفترهای شعرى خود از افسردگی، رمیدگی و تلخکامی‌های خود و معاصران سخن گفته‌اند. آن‌ها در دو جامعه با شرایط اجتماعی مشابه زندگی می‌کردند و با توجه به زمینه‌های فکری و عقیدتی مشترک، دیدگاه‌های یکسان در برخورد با مسائل اجتماعی موجود داشتند.»

«رمز و اسطوره در شعر معاصر ایران و عرب»، در پنج فصل نوشته شده و بخش پایانی آن به بررسی تطبیقی مفاهیم نامدین و سمبلیک در شعر بدر شاکر سیاب و مهدی اخوان‌ثالث اختصاص دارد. نویسنده در آغاز این فصل رمز را در سیاق و بافت کلی اثر جستجو کرده و مفاهیم نامدین و سمبلیک را در کل یک شعر بررسی کرده است. از این‌رو او ابتدا به تحلیل و تفسیر جداگانه شعر نامدین هریک از این دو شاعر پرداخته و سپس آن را به صورت تطبیقی بررسی کرده است. در بخشی از این‌ فصل می‌خوانیم: «بدر شاکر سیاب، شاعر عراقی و مهدی اخوان‌ثالث، شاعر ایرانی، از نمادگرایان برجسته هستند که نسبت به انسان و جامعه انسانی از خود تعهد نشان داده‌اند و در دفترهای شعرى خود از افسردگی، عزلت و تلخ‌کامی‌های خود و هم‌نسلانشان سخن گفته‌اند. آن‌ها در دو جامعه با شرایط اجتماعی مشابه زندگی کرده و با توجه به زمینه‌های فکری و عقیدتی مشترک، دیدگاه‌های مشابهی در برخورد با مسائل اجتماعی موجود دارند. و در این زمینه، تلاش‌هایی از خود نشان داده‌اند، با این تفاوت در گستره دید که اخوان‌ثالث تنها به ایران و جامعه ایرانی بسنده کرده است.»



پیام حیدر قزوینی

«خون اثار» عنوان مجموعه‌شعرى از اعراب آندلس است که مدتی پیش با ترجمه عباس صفاری توسط نشر چشمه منتشر شد. صفاری از سال‌ها پیش در قالب یک پروژه به ترجمه شعر شاعران شرق باستان مشغول است و پیش از این شعرهایی از شاعران کلاسیک ژاپن، اعراب جاهلی، مصر، چین و… با ترجمه او منتشر شده بود. «خون اثار» مجموعه‌ای است که نمونه‌های درخشانی از شعر اعراب آندلس از قرن دهم تا قرن سیزدهم میلادی را دربر گرفته است. این شعرها تا دهه‌های ابتدای قرن بیستم ناشناس و از یاد رفته بودند تا اینکه در سال ۱۹۲۸ امیلیو گارسیا گومز، شاعر و زبان‌شناس اسپانیایی، در قاهره به یکی از نسخه‌های دست‌نویس این کتاب برمی‌خورد و آنها را از عربی به اسپانیایی ترجمه می‌کند. ترجمه گومز در سال ۱۹۳۰ در مادرید منتشر شد و به‌واسطه این ترجمه این اشعار دوباره احیا شدند و تأثیری عمیق و ملموس بر شعر اسپانیا گذاشتند. گومز به نسلی از شاعران و هنرمندان اسپانیایی تعلق دارد که به هنرمندان نسل ۲۷ معروف‌اند و چهره‌های مشهوری مثل فردریکو گارسیا لورکا، رافائل آلبرتی، لوئی بوئول و سالوادور دالی نیز به همین نسل تعلق دارند. شعر اعراب آندلس تأثیر زیادی بر این هنرمندان و شاعران و خاصه لورکا داشت تا جایی که او قصاید و غزلیاتی به شیوه آن اشعار سرود و آن‌ها را با عنوان «دیوان اشعار تمزیت» منتشر کرد. «خون اثار» عنوانی است که صفاری برای ترجمه‌اش از این مجموعه انتخاب کرده و دلیل انتخاب او نیز ارتباطی است که لورکا و زادگاهش آندلس با دو کلمه خون و اثار داشته‌اند. این عنوان یادآور سطری از یکی از شعرهای لورکا هم هست که شاملو سال‌ها پیش آن را ترجمه کرده بود و صفاری در پیشانی کتاب آن را آورده است: «اثار اما خون است/ خون قدسی ملکوت». به مناسبت انتشار «خون اثار» به عباس صفاری درباره دلیل توجه‌اش به اشعار کلاسیک شرقی و مشخصاً شعر اعراب آندلس گفت‌وگو کرده‌ام. صفاری در جایی از این گفت‌وگو درباره اهمیت سنت ادبی می‌گوید: «زیربنای هر حرکت نوین و حتا آوانگاردی، چه در عرصه هنر و چه در عرصه تولید و صنعت، سنت و سابقه است. جای تأسف بسیار است که می‌گویید شاعران این روزگار آنگونه که باید به ادب کلاسیک‌مان توجه ندارند. اشاره شما به گمان بیشتر متوجه نسل جوان و تازه‌کار است. اگر این‌طور باشد غالباً پس از چاپ یکی دو کتاب و فروکش‌کردن تعجیل و تب‌وتاب‌های اولیه دو راه بیشتر نمی‌ماند. یا رها می‌کنند و می‌روند دنبال کاروبارشان یا تصمیم می‌گیرند قدم در راه بی‌بازگشت بگذارند و آنجاست که چارای ندارند مگر این که بروند سرفقت کلاسیک‌ها».

پیش از این مجموعه شعرهایی از شاعران کلاسیک ژاپن، مصر باستان، چین و… با ترجمه شما منتشر شده بود و به‌تازگی هم مجموعه‌ای از شعر اعراب آندلس را ترجمه کرده‌اید. به‌نظر می‌رسد که ترجمه اشعار کلاسیکی که کمتر مورد توجه بوده‌اند به عنوان یک پروژه در این سال‌ها برایتان مطرح بوده است. دلیل علاقه شما به این اشعار چیست و بر اساس چه ضرورتی به سراغ ترجمه این دفترهای شعر رفته‌اید؟

این پروژه را من حدود بیست سال پیش با ترجمه مجموعه‌ای از تنکاهای ژاپنی شروع کردم که سراینده آنها دو شاعر زن از دربار «هیان» بودند. یعنی دوره‌ای که شاعران مرد کسر شان‌شان بود که به زبان مادری خود شعر بنویسند و اشعار و متون مذهبی ژاپن کماکان به زبان چینی مکتوب می‌شد. پس از انتشار آن مجموعه هنوز هدف مشخصی برای کتاب بعدی نداشتم تا این‌که به صورت تصادفی به مجموعه‌ای از شعر غنایی مصر باستان با ترجمه ازرا پائوند برخورد کردم و به این نکته پی بردم که ما از آغاز کار ترجمه در دوران قاجار همواره گرایش‌مان به متون تمدن‌های مغرب‌زمین بوده است و از تولیدات کشورها، همسایه و غالباً هم‌سرنوشت خود به‌رغم وجهه اشتراک عقیدتی و فرهنگی غافل مانده‌ایم. در آن زمان تعداد کتاب‌هایی که از شعر غنایی و کهن این تمدن‌ها در ایران منتشر شده باشد از تعداد انگشتان یک دست هم تجاوز نمی‌کرد. همین امر سبب شد که کار ترجمه را یکسر اختصاص بدهم به اشعار غنایی

شرق باستان که درحال‌حاضر شامل هفت مجموعه است از تمدن‌های مصر، اعراب جاهلی، هند، ژاپن، چین، آندلس و آخرین آن‌ها منظومه‌ای است از تمدن سومر که اخیراً با عنوان «عروس جویان‌ها» به وسیله نشر ثالث به بازار آمده است.

«خون اثار» عنوان ترجمه شما از شعر اعراب آندلس است. خون اثار یادآور شعرى از لورکا است که در پیشانی کتاب هم آن را آورده‌اید: «اثار اما خون است/ خون قدسی ملکوت». چرا این عنوان را برای این ترجمه انتخاب کردید و عنوان اصلی کتاب چیست؟

عنوان اصلی کتاب که این‌سعيد آن را انتخاب کرده «ریایات المبارزین و غایات الممیزین» بوده است که گومز نیز از همین عنوان عربی استفاده کرده است. ترجمه فارسی- عربی‌اش می‌شود جیزیز مثل پرچم مبارزان و مقصد ممیزان. اما انتخاب عنوان «خون اثار» بیش‌تر به‌خاطر رابطه‌ای است که لورکا با این اشاره شما به گمان بیشتر متوجه نسل جوان و تازه‌کار است. اگر این‌طور باشد غالباً پس از چاپ یکی دو کتاب و فروکش‌کردن تعجیل و تب‌وتاب‌های اولیه دو راه بیشتر نمی‌ماند. یا رها می‌کنند و می‌روند دنبال کاروبارشان یا تصمیم می‌گیرند قدم در راه بی‌بازگشت بگذارند و آنجاست که چارای ندارند مگر این که بروند سرفقت کلاسیک‌ها».

پیش از این مجموعه شعرهایی از شاعران کلاسیک ژاپن، مصر باستان، چین و… با ترجمه شما منتشر شده بود و به‌تازگی هم مجموعه‌ای از شعر اعراب آندلس را ترجمه کرده‌اید. به‌نظر می‌رسد که ترجمه اشعار کلاسیکی که کمتر مورد توجه بوده‌اند به عنوان یک پروژه در این سال‌ها برایتان مطرح بوده است. دلیل علاقه شما به این اشعار چیست و بر اساس چه ضرورتی به سراغ ترجمه این دفترهای شعر رفته‌اید؟

این پروژه را من حدود بیست سال پیش با ترجمه مجموعه‌ای از تنکاهای ژاپنی شروع کردم که سراینده آنها دو شاعر زن از دربار «هیان» بودند. یعنی دوره‌ای که شاعران مرد کسر شان‌شان بود که به زبان مادری خود شعر بنویسند و اشعار و متون مذهبی ژاپن کماکان به زبان چینی مکتوب می‌شد. پس از انتشار آن مجموعه هنوز هدف مشخصی برای کتاب بعدی نداشتم تا این‌که به صورت تصادفی به مجموعه‌ای از شعر غنایی مصر باستان با ترجمه ازرا پائوند برخورد کردم و به این نکته پی بردم که ما از آغاز کار ترجمه در دوران قاجار همواره گرایش‌مان به متون تمدن‌های مغرب‌زمین بوده است و از تولیدات کشورها، همسایه و غالباً هم‌سرنوشت خود به‌رغم وجهه اشتراک عقیدتی و فرهنگی غافل مانده‌ایم. در آن زمان تعداد کتاب‌هایی که از شعر غنایی و کهن این تمدن‌ها در ایران منتشر شده باشد از تعداد انگشتان یک دست هم تجاوز نمی‌کرد. همین امر سبب شد که کار ترجمه را یکسر اختصاص بدهم به اشعار غنایی

به چندین زبان آشنایی داشته باشد امر خارق‌العاده‌ای نیست. بسیاری از متون کلاسیک خودمان را اروپایی‌ها تصحیح کردند. ما داریم از زمانه‌ای یاد می‌کنیم که دوران اوج مدرنیسم در اروپاست و یکی از اهداف مدرنیست‌ها یادگیری و آشنایی با فرهنگ و تمدن‌های شرقی است که تأثیر آن را در کارهای ازرا پائوند، بورخس، کیپلینگ، گوگن و مودیلانی می‌توان به وضوح دید.

اما در پاسخ به سؤال شما، بله گومز آن را مستقیماً از عربی ترجمه کرده است. اما تسلط او بر این زبان در چه حدودی بوده است من خبر ندارم.

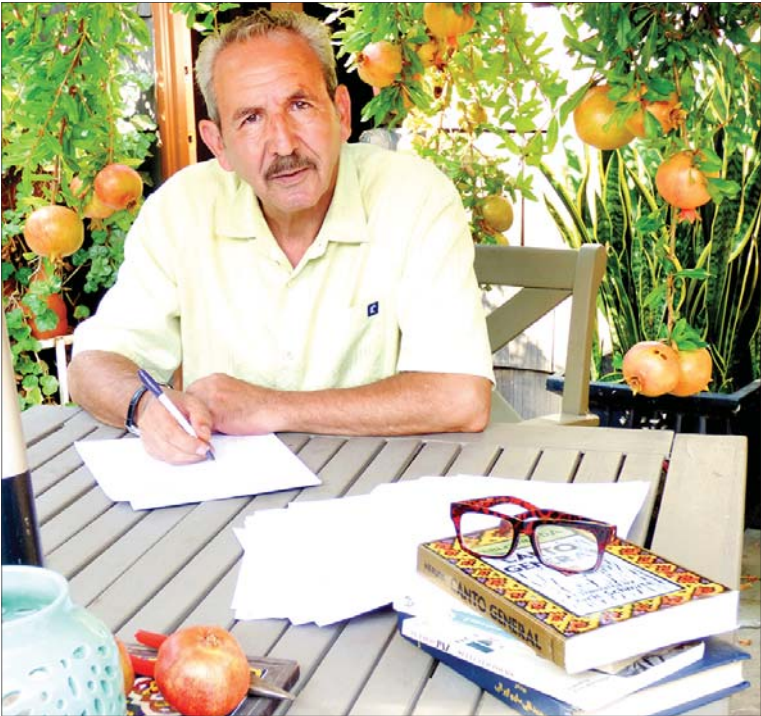
آیا تا پیش از آنکه گومز این اشعار را ترجمه کند، شعر اعراب آندلس برای شاعران اسپانیایی کاملاً ناشناس بود؟

احتمالاً به صورت پراکنده و هرازگاهی در نشریات

تذکره‌ها چیزهایی چاپ شده باشد. اما به صورت یک کتاب که فقط به شعر آندلس اختصاص داشته باشد «ریایات المبارزین» نخستین مجموعه است.

آیا در مقدمه کتاب اشاره کرده‌اید که گومز متعلق به نسلی از شاعران و هنرمندان اسپانیایی است

ادبیات



گفت‌وگو با عباس صفاری به مناسبت انتشار ترجمه‌اش از شعر اعراب آندلس

راه بی‌بازگشت کلاسیک‌ها

که به هنرمندان نسل ۲۷ مشهورند و بسیاری‌شان چهره‌های درخشان ادبیات و هنر اسپانیا به شمار می‌روند. گومز به عنوان شاعر چه جایگاهی در شعر اسپانیایی‌زبان دارد؟

من این‌کتاب را از روی متن انگلیسی‌اش به فارسی ترجمه کرده‌ام و به علت عدم آشنایی با زبان اسپانیایی امکان تحقیق درباره گومز را نداشتم‌ام. در همین حد می‌دانم که شهرتش را بیشتر مدیون ترجمه و نقد و جستارهای ادبی است تا شعر.

استعاره و تصویرسازی‌های قدرتمند از ویژگی‌های چشمگیر شعر اعراب آندلس است. چه ویژگی‌هایی در این اشعار بیش از همه مورد توجه شاعران اسپانیایی قرار گرفته است؟

مدرنیست‌های اروپا و از جمله اسپانیا در آغاز کار جنبش، که در عرصه شعر ازرا پائوند پرچمدان آن بود بیش از هر عنصر دیگری به تصویر و امیاز گرایش داشتند و امیازیسیم برای دوره کوتاهی فرم محبوب زمانه بود. اما دیری نپایید که به محدودیت‌های امیاز پی بردند و استعاره به سرعت جای امیاز را در شعر و ادب زمانه اشغال کرد و هنوز که هنوز است در کماکان بر همان پاشنه می‌چرخد. امری که متأسفانه ما در ایران نسبت به آن توجه کافی نداشته‌ایم. اگرچه قدرت تصویرسازی درخشان این مجموعه را نمی‌توان نادیده گرفت اما به گمان من وجه استعاری این مجموعه بر دیگر اسباب و ادواتی که در آن به کار گرفته شده می‌چرید و به گفته آلبرتی همین بخش است که بیشتر مورد توجه آنها بود است.

آیا تأثیر شعرهای شاعران عرب آندلس هنوز در شاعران اسپانیایی دیده می‌شود؟

نمی‌دانم منظور شما شعر اسپانیاست، یا شاعران اسپانیایی‌زبان. درواقع پایتخت شعر و ادب اسپانیایی

سال‌هاست که با حضور بزرگانی مانند بورخس، اوکتاویو پاز، نرودا، مارکز، فونتسن و بسیاری دیگر از مادرید به مکزیکوسیته که مرکز عمده نشر آمریکای جنوبی است نقل‌مکان کرده است. دیگر به دشواری می‌توان ردپای کتاب کوچکی را که صد سال پیش در اروپا منتشر شده در آثار امروزی یافت. به فرض هم که چیزی پیدا شود از چندین کانال دیگر گذشته و رنگ‌بوی دیگری به خود گرفته است. آنچه می‌توان با قاطعیت گفت این است که این کتاب نیز مانند هر اثر برجسته دیگری تأثیری را که باید بگذارد گذاشته است. چه مستقیم و چه غیرمستقیم.

یکی دیگر از نکاتی که در مقدمه به آن اشاره کرده‌اید و توجهم را جلب کرد، توجه شاعران نسل ۲۷ به شعر اعراب آندلس و به‌طورکلی سنت‌های شعری‌شان بوده است و این یکی از نقاط عطف کار این شاعران به‌شمار می‌رود. اما ادبیات سال‌های اخیر ما کمتر به سنت‌های ادبی‌مان توجه کرده

و انکار ارتباط غالب شاعران و نویسندگان ما با سنت ادبی مختل شده است؛ درحالی‌که در کار چهره‌هایی مثل نینما، شاملو، اخوان، سیانو و… یا داستان‌نویسان مهم معاصرمان این ارتباط به روشنی وجود داشته است. نظرتان در این مورد چیست؟

من در پاسخ به یکی از سؤالات شما در بالا اشاره‌ای کردم به اشتیاق مدرنیست‌ها برای آشنایی با تمدن‌های کهن مشرق‌زمین. این درواقع توصیه ازرا پائوند بود که شاعرها را تشویق می‌کرد به یادگیری و آموختن یکی از زبان‌های باستانی. باسیل باتنین، شاعر انگلیسی را نیز هم او بود که برای یادگرفتن فارسی و خواندن «شاهنامه» روانه ایران کرد. قصدم از این مقدمه‌چینی این است که بگویم زیربنای هر حرکت نوین- و حتا آوانگاردی، چه در عرصه هنر و چه در عرصه تولید و صنعت، سنت و سابقه است. جای تأسف بسیار است که می‌گویید شاعران این روزگار آن‌گونه که باید به ادب کلاسیک‌مان توجه ندارند.

اشاره شما به گمان بیشتر متوجه نسل جوان و تازه‌کار است. اگر این‌طور باشد غالباً پس از چاپ یکی دو کتاب و فروکش‌کردن تعجیل و تب‌وتاب‌های اولیه دو راه بیشتر نمی‌ماند. یا رها می‌کنند و می‌روند دنبال کاروبارشان یا تصمیم می‌گیرند قدم در راه بی‌بازگشت بگذارند و آنجاست که چاره‌ای ندارند مگر بروند سرفقت کلاسیک‌ها».

نظرتان درباره امکان‌پذیری ترجمه شعر چیست و آیا هر شعری قابلیت ترجمه‌شدن دارد؟

بارها شنیده‌ایم که گفته‌اند ترجمه شعر یک نوع خیانت است. به گمان من اما خیانت هم اگر باشد ضررهای اجتناب از آن بیش از منافع آن است. تمدن‌های دنیا از طریق ترجمه است که از دستاوردهای هنرمیدگر آگاه شده و از آنها سود برده‌اند. تمدن‌های ارتدک و مایا را در قرن چهاردهم میلادی و در دوران اوج جبر و مثلثات و ریاضیات در این‌سوی جهان در نظر بگیرید، آنها به علت عدم دسترسی به دست‌آورد‌های علمی تمدن‌های دیگر هنوز با چوب‌خط حساب‌و‌کتاب امپراتوری را نگه می‌داشته‌اند. ساکنان این کره خاکی برای بهبود شرایط خود چاره‌ای جز ترجمه ندارند. این است که به گمان من این مته به خشخاش گذاشتن‌ها و خیانت‌پنداشتن‌ها را باید از سر به در کرد و با مسائل جهان امروزی برخورد منطقی‌تری داشته باشیم. کمال‌پرستی در امر ترجمه مقوله‌ای سانتی‌مانتال و بی‌معناست. ما باید تمام سعی و کوشش خود را به کار بگیریم تا جان کلام یک اثر را به صورتی که برای مخاطب قابل درک باشد از زبان مبدا به زبان مقصد منتقل کنیم. اگر مرحوم میرعلانی با ترجمه «سنگ آفتاب» به اوکتاویو پاز خیانت کرده است من حاضرم دست او را به‌خاطر این خیانت ببوسم.

در ترجمه شعر همیشه بین ترجمه آزاد و ترجمه لغت‌به‌لغت اختلاف‌نظر وجود داشته است. شما در ترجمه شعر چگونه عمل می‌کنید و به کدام‌یک از این دو گرایش نزدیک‌تر هستید؟

ترجمه لغت‌به‌لغت یا آنچنان‌که مرسوم است نعل‌به‌نعل روش کار من نیست، اگرچه با آن مخالفت چندانی ندارم و معتقدم که اگر مترجم خود شاعر نیست بهتر است از این روش استفاده کند و مابقی کار را بگذارد به قدرت تخیل خواننده، اما در صورتی که مترجم خود شاعر باشد بهترین روش این است که مضمون را از شاعر خارجی بگیرد و بر اساس آن مضمون عاریتی با وفاداری و رعایت تمامی اجزای اثر شعر جدید در زبان مقصد تحویل مخاطب بدهد.

در ترجمه شعر ترجمه از زبان واسطه چقدر ضروری است و آیا ترجمه از زبان واسطه انتقال سبک و لحن شاعر را دشوار نمی‌کند؟

تعدادی از اشعار این مجموعه را من سال‌ها پیش

در «کارنامه» منتشر کردم و در مقدمه‌ای که بر آن نوشته بودم اظهار امیدواری کرده بودم که مترجمی مسلط به زبان عربی برود کل کتاب را ترجمه کند.

وقتی پس از ده دوازده سال هیچ خبری از آن نشد و از آنجا که بخشی از پروژه من نیز بود مابقی کتاب را هم از انگلیسی ترجمه کردم.

مرور

رنالیسم در داستان‌های ایرانی و عراقی

- «رنالیسم در ادبیات داستانی ایران و عراق»

عنوان کتابی است از عباس یوسف که به بررسی تطبیقی آثار سیمین دانشور و فواد تکرلی پرداخته است. فواد تکرلی از نویسندگان رئالیست عراقی است که در سال ۱۹۲۷ در بغداد متولد شد و در سال ۲۰۰۸ از دنیا رفت. او یکی از آخرین بازماندگان نسل نویسندگان پیشگام و برجسته‌ترین داستان‌نویس عراق از جنبه ساختار فنی به‌شمار می‌رود. تکرلی در ابتدا به‌عنوان نویسنده داستان‌های کوتاه شناخته شد هرچند خودش از آنچه در جوانی‌اش نوشته بود راضی نبود. او نویسنده کم‌کاری به‌شمار می‌رود اما با همین آثاری که از او منتشر شده تأثیر زیادی از خود به‌جا گذاشته است. سیمین دانشور نیز یکی از چهره‌های مهم ادبیات داستانی معاصر ایران است و هم‌عصر تکرلی به‌شمار می‌رود. نویسنده کتاب در بخشی از مقدمه‌اش درباره این دو نویسنده نوشته است: «دانشور و تکرلی از بارزترین نویسندگان واقع‌گرای ایران و عراق به حساب می‌آیند. هر دوی آنها از نویسندگان دهه پنجاه میلادی به‌شمار می‌روند، تقریباً هم‌زمان - بعد از جنگ جهانی دوم- شروع به نوشتن رمان یا داستان کوتاه کردند. وقتی نگارنده به بررسی آثار واقع‌گرایی دانشور و تکرلی پرداخت ملاحظه کرد که عده‌ای از عوامل بر آنها و دیگر نویسندگان رئالیست تأثیر گذاشته‌اند،

از جمله در ایران پس از شهریورماه ۱۳۲۰ - ش - در جریان جنگ جهانی دوم- و سرنوگونی رضاشاه، فضای سیاسی و فرهنگی نسبتاً بازی در کشور ایجاد شد و تحرک جدیدی در ادبیات روی داد. چاپ و نشر کتاب رونق تازه‌ای گرفت و ادبیات ایران به شکل مجله، روزنامه و کتاب، جریان‌های جدیدی را از سر گذراند. در این سال‌ها، نویسندگان - از جمله دانشور- با مکتب‌های جدید ادبی و فکری آشنا شدند؛ امری که بر آثارشان تأثیر زیادی داشت. در عراق دوره پس از جنگ جهانی دوم و رویدادهای پیش از آن، روابط اجتماعی و طبقاتی، عراق را در قالب جدیدی درآورد. در این دوره، با آغاز فعالیت و اثربخشی جنبش ملی و نهادهای صنفی، سیاسی و فرهنگی، از شعارهای آزادی و استقلال ملی و از خواسته‌های قانونی توده‌ها و طبقات زحمتکش دفاع کردید. نویسندگان دهه پنجاه - از جمله تکرلی- توانستند روش اختصاصی خود را برای بیان شعرانه‌ای آزادی به کار گیرند. و با توسعه توانایی‌های فکری و فرهنگی خود از آثار داستانی جدید در جهان عرب و در دنیا و همچنین



از گرایش‌های فرهنگی و فکری و آثار هنری معاصر در زمینه‌های مختلف اطلاع یابند و سبب این امر روی آوردن بیشتر نویسندگان به واقعیت و دغدغه‌های جامعه عراقی بود». «رنالیسم در ادبیات داستانی ایران و عراق» در چهار فصل کلی نوشته شده و نویسنده در آن کوشیده که به بررسی تطبیقی مهم‌ترین ویژگی‌های رئالیسم در آثار دانشور و تکرلی بپردازد و مهم‌ترین تفاوت‌ها و شباهت‌های رئالیسم در آثار آنها را نشان دهد. دانشور و تکرلی هر دو در آثارشان توجه زیادی به وضعیت اجتماعی و تاریخی‌شان داشته‌اند و نسبت به بسیاری از مسایل اجتماعی اطرافشان حساسیت داشته‌اند. در بخشی از بخش پایانی کتاب در این مورد می‌خوانیم: «دانشور و تکرلی در آثارشان، با نگرشی انسان‌گرایانه و آرمانی به ترسیم سیمای ناهمگون و پیکره بیمار جامعه ایران و عراق در گذشته می‌پردازند. هر دوی آنها نویسندگانی متعهد و متبحر در داستان‌پردازی‌های علمی و رئالیستی هستند و تلاش می‌کنند علوم و ریشه‌های تبعیض طبقات، فقر فرهنگی، ظلم و ستم، فقدان بیش لازم سیاسی و حتی وابستگی‌های سیاسی کشور به استعمار جهانی را معرفی کنند. هر دو نویسنده، به ظلم و ستم طبقات جامعه، عوامل موثر در آن و استبداد طبقه اشراف و ثروتمندان پرداختند». در آثار دانشور و تکرلی، پیوندی عمیق با سیاست وجود دارد. دانشور در بسیاری از آثارش به مسئله استعمار ملی و استقلال ملی و تلاش‌ها و مبارزه‌های مردم در این‌ راه توجه دارد. تکرلی در برخی از آثارش، از رژیم سیاسی حاکم در عراق انتقادات شدیدی کرده و مردم را به انقلاب علیه حکومت عراق و همچنین نظام سرمایه‌داری فراخوانده است. تبعیض و اختلاف طبقاتی، ظلم و ستم طبقات، فقر و محرومیت، سیاست و حضور بیگانگان، ویژگی‌های اخلاقی و معایب جامعه نویسنده، به ظلم و ستم طبقات جامعه، عوامل موثر در آن و استبداد طبقه اشراف و ثروتمندان پرداختند». در آثار دانشور و تکرلی، پیوندی عمیق با سیاست وجود دارد. دانشور در بسیاری از آثارش به مسئله استعمار ملی و استقلال ملی و تلاش‌ها و مبارزه‌های مردم در این‌ راه توجه دارد. تکرلی در برخی از آثارش، از رژیم سیاسی حاکم در عراق انتقادات شدیدی کرده و مردم را به انقلاب علیه

حکومت عراق و همچنین نظام سرمایه‌داری فراخوانده است. تبعیض و اختلاف طبقاتی، ظلم و ستم طبقات، فقر و محرومیت، سیاست و حضور بیگانگان، ویژگی‌های اخلاقی و معایب جامعه نویسنده، به ظلم و ستم طبقات جامعه، عوامل موثر در آن و استبداد طبقه اشراف و ثروتمندان پرداختند». در آثار دانشور و تکرلی، پیوندی عمیق با سیاست وجود دارد. دانشور در بسیاری از آثارش به مسئله استعمار ملی و استقلال ملی و تلاش‌ها و مبارزه‌های مردم در این‌ راه توجه دارد. تکرلی در برخی از آثارش، از رژیم سیاسی حاکم در عراق انتقادات شدیدی کرده و مردم را به انقلاب علیه حکومت عراق و همچنین نظام سرمایه‌داری فراخوانده است. تبعیض و اختلاف طبقاتی، ظلم و ستم طبقات، فقر و محرومیت، سیاست و حضور بیگانگان، ویژگی‌های اخلاقی و معایب جامعه نویسنده، به ظلم و ستم طبقات جامعه، عوامل موثر در آن و استبداد طبقه اشراف و ثروتمندان پرداختند». در آثار دانشور و تکرلی، پیوندی عمیق با سیاست وجود دارد. دانشور در بسیاری از آثارش به مسئله استعمار ملی و استقلال ملی و تلاش‌ها و مبارزه‌های مردم در این‌ راه توجه دارد. تکرلی در برخی از آثارش، از رژیم سیاسی حاکم در عراق انتقادات شدیدی کرده و مردم را به انقلاب علیه حکومت عراق و همچنین نظام سرمایه‌داری فراخوانده است. تبعیض و اختلاف طبقاتی، ظلم و ستم طبقات، فقر و محرومیت، سیاست و حضور بیگانگان، ویژگی‌های اخلاقی و معایب جامعه نویسنده، به ظلم و ستم طبقات جامعه، عوامل موثر در آن و استبداد طبقه اشراف و ثروتمندان پرداختند». در آثار دانشور و تکرلی، پیوندی عمیق با سیاست وجود دارد. دانشور در بسیاری از آثارش به مسئله استعمار ملی و استقلال ملی و تلاش‌ها و مبارزه‌های مردم در این‌ راه توجه دارد. تکرلی در برخی از آثارش، از رژیم سیاسی حاکم در عراق انتقادات شدیدی کرده و مردم را به انقلاب علیه حکومت عراق و همچنین نظام سرمایه‌داری فراخوانده است. تبعیض و اختلاف طبقاتی، ظلم و ستم طبقات، فقر و محرومیت، سیاست و حضور بیگانگان، ویژگی‌های اخلاقی و معایب جامعه نویسنده، به ظلم و ستم طبقات جامعه، عوامل موثر در آن و استبداد طبقه اشراف و ثروتمندان پرداختند». در آثار دانشور و تکرلی، پیوندی عمیق با سیاست وجود دارد. دانشور در بسیاری از آثارش به مسئله استعمار ملی و استقلال ملی و تلاش‌ها و مبارزه‌های مردم در این‌ راه توجه دارد. تکرلی در برخی از آثارش، از رژیم سیاسی حاکم در عراق انتقادات شدیدی کرده و مردم را به انقلاب علیه حکومت عراق و همچنین نظام سرمایه‌داری فراخوانده است. تبعیض و اختلاف طبقاتی، ظلم و ستم طبقات، فقر و محرومیت، سیاست و حضور بیگانگان، ویژگی‌های اخلاقی و معایب جامعه نویسنده، به ظلم و ستم طبقات جامعه، عوامل موثر در آن و استبداد طبقه اشراف و ثروتمندان پرداختند». در آثار دانشور و تکرلی، پیوندی عمیق با سیاست وجود دارد. دانشور در بسیاری از آثارش به مسئله استعمار ملی و استقلال ملی و تلاش‌ها و مبارزه‌های مردم در این‌ راه توجه دارد. تکرلی در برخی از آثارش، از رژیم سیاسی حاکم در عراق انتقادات شدیدی کرده و مردم را به انقلاب علیه حکومت عراق و همچنین نظام سرمایه‌داری فراخوانده است. تبعیض و اختلاف طبقاتی، ظلم و ستم طبقات، فقر و محرومیت، سیاست و حضور بیگانگان، ویژگی‌های اخلاقی و معایب جامعه نویسنده، به ظلم و ستم طبقات جامعه، عوامل موثر در آن و استبداد طبقه اشراف و ثروتمندان پرداختند». در آثار دانشور و تکرلی، پیوندی عمیق با سیاست وجود دارد. دانشور در بسیاری از آثارش به مسئله استعمار ملی و استقلال ملی و تلاش‌ها و مبارزه‌های مردم در این‌ راه توجه دارد. تکرلی در برخی از آثارش، از رژیم سیاسی حاکم در عراق انتقادات شدیدی کرده و مردم را به انقلاب علیه حکومت عراق و همچنین نظام سرمایه‌داری فراخوانده است. تبعیض و اختلاف طبقاتی، ظلم و ستم طبقات، فقر و محرومیت، سیاست و حضور بیگانگان، ویژگی‌های اخلاقی و معایب جامعه نویسنده، به ظلم و ستم طبقات جامعه، عوامل موثر در آن و استبداد طبقه اشراف و ثروتمندان پرداختند». در آثار دانشور و تکرلی، پیوندی عمیق با سیاست وجود دارد. دانشور در بسیاری از آثارش به مسئله استعمار ملی و استقلال ملی و تلاش‌ها و مبارزه‌های مردم در این‌ راه توجه دارد. تکرلی در برخی از آثارش، از رژیم سیاسی حاکم در عراق انتقادات شدیدی کرده و مردم را به انقلاب علیه حکومت عراق و همچنین نظام سرمایه‌داری فراخوانده است. تبعیض و اختلاف طبقاتی، ظلم و ستم طبقات، فقر و محرومیت، سیاست و حضور بیگانگان، ویژگی‌های اخلاقی و معایب جامعه نویسنده، به ظلم و ستم طبقات جامعه، عوامل موثر در آن و استبداد طبقه اشراف و ثروتمندان پرداختند». در آثار دانشور و تکرلی، پیوندی عمیق با سیاست وجود دارد. دانشور در بسیاری از آثارش به مسئله استعمار ملی و استقلال ملی و تلاش‌ها و مبارزه‌های مردم در این‌ راه توجه دارد. تکرلی در برخی از آثارش، از رژیم سیاسی حاکم در عراق انتقادات شدیدی کرده و مردم را به انقلاب علیه حکومت عراق و همچنین نظام سرمایه‌داری فراخوانده است. تبعیض و اختلاف طبقاتی، ظلم و ستم طبقات، فقر و محرومیت، سیاست و حضور بیگانگان، ویژگی‌های اخلاقی و معایب جامعه نویسنده، به ظلم و ستم طبقات جامعه، عوامل موثر در آن و استبداد طبقه اشراف و ثروتمندان پرداختند». در آثار دانشور و تکرلی، پیوندی عمیق با سیاست وجود دارد. دانشور در بسیاری از آثارش به مسئله استعمار ملی و استقلال ملی و تلاش‌ها و مبارزه‌های مردم در این‌ راه توجه دارد. تکرلی در برخی از آثارش، از رژیم سیاسی حاکم در عراق انتقادات شدیدی کرده و مردم را به انقلاب علیه حکومت عراق و همچنین نظام سرمایه‌داری فراخوانده است. تبعیض و اختلاف طبقاتی، ظلم و ستم طبقات، فقر و محرومیت، سیاست و حضور بیگانگان، ویژگی‌های اخلاقی و معایب جامعه نویسنده، به ظلم و ستم طبقات جامعه، عوامل موثر در آن و استبداد طبقه اشراف و ثروتمندان پرداختند». در آثار دانشور و تکرلی، پیوندی عمیق با سیاست وجود دارد. دانشور در بسیاری از آثارش به مسئله استعمار ملی و استقلال ملی و تلاش‌ها و مبارزه‌های مردم در این‌ راه توجه دارد. تکرلی در برخی از آثارش، از رژیم سیاسی حاکم در عراق انتقادات شدیدی کرده و مردم را به انقلاب علیه حکومت عراق و همچنین نظام سرمایه‌داری فراخوانده است. تبعیض و اختلاف طبقاتی، ظلم و ستم طبقات، فقر و محرومیت، سیاست و حضور بیگانگان، ویژگی‌های اخلاقی و معایب جامعه نویسنده، به ظلم و ستم طبقات جامعه، عوامل موثر در آن و استبداد طبقه اشراف و ثروتمندان پرداختند». در آثار دانشور و تکرلی، پیوندی عمیق با سیاست وجود دارد. دانشور در بسیاری از آثارش به مسئله استعمار ملی و استقلال ملی و تلاش‌ها و مبارزه‌های مردم در این‌ راه توجه دارد. تکرلی در برخی از آثارش، از رژیم سیاسی حاکم در عراق انتقادات شدیدی کرده و مردم را به انقلاب علیه حکومت عراق و همچنین نظام سرمایه‌داری فراخوانده است. تبعیض و اختلاف طبقاتی، ظلم و ستم طبقات، فقر و محرومیت، سیاست و حضور بیگانگان، ویژگی‌های اخلاقی و معایب جامعه نویسنده، به ظلم و ستم طبقات جامعه، عوامل موثر در آن و استبداد طبقه اشراف و ثروتمندان پرداختند». در آثار دانشور و تکرلی، پیوندی عمیق با سیاست وجود دارد. دانشور در بسیاری از آثارش به مسئله استعمار ملی و استقلال ملی و تلاش‌ها و مبارزه‌های مردم در این‌ راه توجه دارد. تکرلی در برخی از آثارش، از رژیم سیاسی حاکم در عراق انتقادات شدیدی کرده و مردم را به انقلاب علیه حکومت عراق و همچنین نظام سرمایه‌داری فراخوانده است. تبعیض و اختلاف طبقاتی، ظلم و ستم طبقات، فقر و محرومیت، سیاست و حضور بیگانگان، ویژگی‌های اخلاقی و معایب جامعه نویسنده، به ظلم و ستم طبقات جامعه، عوامل موثر در آن و استبداد طبقه اشراف و ثروتمندان پرداختند». در آثار دانشور و تکرلی، پیوندی عمیق با سیاست وجود دارد. دانشور در بسیاری از آثارش به مسئله استعمار ملی و استقلال ملی و تلاش‌ها و مبارزه‌های مردم در این‌ راه توجه دارد. تکرلی در برخی از آثارش، از رژیم سیاسی حاکم در عراق انتقادات شدیدی کرده و مردم را به انقلاب علیه حکومت عراق و همچنین نظام سرمایه‌داری فراخوانده است. تبعیض و اختلاف طبقاتی، ظلم و ستم طبقات، فقر و محرومیت، سیاست و حضور بیگانگان، ویژگی‌های اخلاقی و معایب جامعه نویسنده، به ظلم و ستم طبقات جامعه، عوامل موثر در آن و استبداد طبقه اشراف و ثروتمندان پرداختند». در آثار دانشور و تکرلی، پیوندی عمیق با سیاست وجود دارد. دانشور در بسیاری از آثارش به مسئله استعمار ملی و استقلال ملی و تلاش‌ها و مبارزه‌های مردم در این‌ راه توجه دارد. تکرلی در برخی از آثارش، از رژیم سیاسی حاکم در عراق انتقادات شدیدی کرده و مردم را به انقلاب علیه حکومت عراق و همچنین نظام سرمایه‌داری فراخوانده است. تبعیض و اختلاف طبقاتی، ظلم و ستم طبقات، فقر و محرومیت، سیاست و حضور بیگانگان، ویژگی‌های اخلاقی و معایب جامعه نویسنده، به ظلم و ستم طبقات جامعه، عوامل موثر در آن و استبداد طبقه اشراف و ثروتمندان پرداختند». در آثار دانشور و تکرلی، پیوندی عمیق با سیاست وجود دارد. دانشور در بسیاری از آثارش به مسئله استعمار ملی و استقلال ملی و تلاش‌ها و مبارزه‌های مردم در این‌ راه توجه دارد. تکرلی در برخی از آثارش، از رژیم سیاسی حاکم در عراق انتقادات شدیدی کرده و مردم را به انقلاب علیه حکومت عراق و همچنین نظام سرمایه‌داری فراخوانده است. تبعیض و اختلاف طبقاتی، ظلم و ستم طبقات، فقر و محرومیت، سیاست و حضور بیگانگان، ویژگی‌های اخلاقی و معایب جامعه نویسنده، به ظلم و ستم طبقات جامعه، عوامل موثر در آن و استبداد طبقه اشراف و ثروتمندان پرداختند». در آثار دانشور و تکرلی، پیوندی عمیق با سیاست وجود دارد. دانشور در بسیاری از آثارش به مسئله استعمار ملی و استقلال ملی و تلاش‌ها و مبارزه‌های مردم در این‌ راه توجه دارد. تکرلی در برخی از آثارش، از رژیم سیاسی حاکم در عراق انتقادات شدیدی کرده و مردم را به انقلاب علیه حکومت عراق و همچنین نظام سرمایه‌داری فراخوانده است. تبعیض و اختلاف طبقاتی، ظلم و ستم طبقات، فقر و محرومیت، سیاست و حضور بیگانگان، ویژگی‌های اخلاقی و معایب جامعه نویسنده، به ظلم و ستم طبقات جامعه، عوامل موثر در آن و استبداد طبقه اشراف و ثروتمندان پرداختند». در آثار دانشور و تکرلی، پیوندی عمیق با سیاست وجود دارد. دانشور در بسیاری از آثارش به مسئله استعمار ملی و استقلال ملی و تلاش‌ها و مبارزه‌های مردم در این‌ راه توجه دارد. تکرلی در برخی از آثارش، از رژیم سیاسی حاکم در عراق انتقادات شدیدی کرده و مردم را به انقلاب علیه حکومت عراق و همچنین نظام سرمایه‌داری فراخوانده است. تبعیض و اختلاف طبقاتی، ظلم و ستم طبقات، فقر و محرومیت، سیاست و حضور بیگانگان، ویژگی‌های اخلاقی و معایب جامعه نویسنده، به ظلم و ستم طبقات جامعه، عوامل موثر در آن و استبداد طبقه اشراف و ثروتمندان پرداختند». در آثار دانشور و تکرلی، پیوندی عمیق با سیاست وجود دارد. دانشور در بسیاری از آثارش به مسئله استعمار ملی و استقلال ملی و تلاش‌ها و مبارزه‌های مردم در این‌ راه توجه دارد. تکرلی در برخی از آثارش، از رژیم سیاسی حاکم در عراق انتقادات شدیدی کرده و مردم را به انقلاب علیه حکومت عراق و همچنین نظام سرمایه‌داری فراخوانده است. تبعیض و اختلاف طبقاتی، ظلم و ستم طبقات، فقر و محرومیت، سیاست و حضور بیگانگان، ویژگی‌های اخلاقی و معایب جامعه نویسنده، به ظلم و ستم طبقات جامعه، عوامل موثر در آن و استبداد طبقه اشراف و ثروتمندان پرداختند». در آثار دانشور و تکرلی، پیوندی عمیق با سیاست وجود دارد. دانشور در بسیاری از آثارش به مسئله استعمار ملی و استقلال ملی و تلاش‌ها و مبارزه‌های مردم در این‌ راه توجه دارد. تکرلی در برخی از آثارش، از رژیم سیاسی حاکم در عراق انتقادات شدیدی کرده و مردم را به انقلاب علیه حکومت عراق و همچنین نظام سرمایه‌داری فراخوانده است. تبعیض و اختلاف طبقاتی، ظلم و ستم طبقات، فقر و محرومیت، سیاست و حضور بیگانگان، ویژگی‌های اخلاقی و معایب جامعه نویسنده، به ظلم و ستم طبقات جامعه، عوامل موثر در آن و استبداد طبقه اشراف و ثروتمندان پرداختند». در آثار دانشور و تکرلی، پیوندی عمیق با سیاست وجود دارد. دانشور در بسیاری از آثارش به مسئله استعمار ملی و استقلال ملی و تلاش‌ها و مبارزه‌های مردم در این‌ راه توجه دارد. تکرلی در برخی از آثارش، از رژیم سیاسی حاکم در عراق انتقادات شدیدی کرده و مردم را به انقلاب علیه حکومت عراق و همچنین نظام سرمایه‌داری فراخوانده است. تبعیض و اختلاف طبقاتی، ظلم و ستم طبقات، فقر و محرومیت، سیاست و حضور بیگانگان، ویژگی‌های اخلاقی و معایب جامعه نویسنده، به ظلم و ستم طبقات جامعه، عوامل موثر در آن و استبداد طبقه اشراف و ثروتمندان پرداختند». در آثار دانشور و تکرلی، پیوندی عمیق با سیاست وجود دارد. دانشور در بسیاری از آثارش به مسئله استعمار ملی و استقلال ملی و تلاش‌ها و مبارزه‌های مردم در این‌